

فخر ایران زمین

شهید دکتر محسن فخری زاده، فروغی که خاموشی نگیرد

بهنام شیروانی

www.ketab.ir

سرشناسه	: شیروانی، بهنام، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور	: فخر ایران زمین: فروغی که خاموشی نگیرد/بهنام شیروانی.
مشخصات نشر	: تهران: نقش قلم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۲ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: 978-964-8008-71-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: فروغی که خاموشی نگیرد.
موضوع	: فخری زاده، محسن، ۱۳۳۶-۱۳۹۹.
موضوع	: سازمان انرژی اتمی ایران -- شهیدان
موضوع	: Atomic Energy Organization of Iran -- Martyrs
موضوع	: قربانیان تروریسم -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	: Victims of terrorism -- Iran -- Biography
موضوع	: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ - -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع	: Iran -- History -- Islamic Republic, 1979 - -- Martyrs -- Biography
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۷
رده بندی دیویی	: ۶۴۱.۹۰۴۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۵۶۴۴۸

نقش قلم

فخر ایران زمین

بهنام شیروانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: پیام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۸-۷۱-۵

خیابان آزادی، خیابان حسین بهزاد، کوچه فولادی، پلاک ۲۵ واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۳۰۹۹۴

۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۰.....	شعری در سوگ شهید فخری زاده
۱۲.....	دانشته شهید فخری زاده یک ماه پیش از شهادت
	فصل اول
۱۳.....	تجسم یک اندیشه
	فصل دوم
۵۹.....	«معامله قرن» طرح نامشروعی که ریشه در باور دینی صهیونیسم دارد
	فصل سوم
۱۰۱.....	ذوق زدگی اسرائیل از ترور فخری زاده
	فصل چهارم
۱۰۹.....	روابط اسرائیل و ایران
	فصل پنجم
۱۲۵.....	ترژی هسته‌ای و اهمیت آن برای کشور

مقدمه

نخستین بار تنها تصویر او را در یک «شات» تلویزیونی دیدم و دانستم نامش دکتر محسن فخری زاده است، ظاهراً پایان یک سخنرانی بود که ایشان پس از خواندن یک بیت از شیخ اجل، سعدی شیرازی، تریبون را ترک می کرد. آن بیت چنین بود:

همه عمر برندارم سر از این خمار و مستی
که هنوز من نبودم که تو در دلم نسستی

دوری گزینی اش از دوربین ها و پرهیز ذاتی اش از حضور در مجامع عمومی ابتدا این تصور را در من پدید آورد که او یکی از ادبای زبان و ادبیات فارسی است و این بیت یکی از غزلیات بسیار زیبای سعدی است که انتخابش نشان از تعلق او به فرهنگ و ادب این سرزمین دارد و فراتر، عشق به میهن و نیاکان خویش و زمانی که دانستم ایشان پدر هسته ای ایران است، دلیل پرهیزشان را از رسانه ها دانستم و اکنون که آن رویداد ناجوانمردانه واقع شده، شناخته شدن و نام آوری، کمترین حق او بود.

و به این ترتیب پس از شهادت ایشان بود که آن سخنرانی چندین بار از تلویزیون پخش شد و من آن روز وقتی اخبار شبانه گاهی پخش می شد و آن قسمت از سخنرانی ایشان نیز تکرار می گردید، دکتر محسن فخری زاده، دانشمند هسته ای کشورمان را شناختم که اینک عنوان پر افتخار «شهید» نیز زینده نامشان شده بود.

در روزگار تحصیلی، در تاریخ ادبیات یا تاریخ علم، در خصوص بعضی از

دانشمندان می‌خواندیم که برخی مردان علم چون ابوعلی سینا و خیام و فارابی و... هم ادیب بودند و هم فیلسوف و هم پزشک و داروشناس و هم منجم... خلاصه این موضوع برای ما امروزی‌ها که همه عمر را تلاش می‌کنیم و در نهایت فقط در یکی از رشته‌های علم و دانش می‌توانیم تخصص بگیریم، شگفت‌انگیز می‌نماید که آیا می‌شود یک نفر در همه یا اکثر علوم زمان خود و جامعیت، تبحر داشته باشد؟ اما وقتی به زندگی‌نامه و سوابق مدیریتی و تحصیلی و کاری شهید دکتر فخری‌زاده می‌نگریم، دانشمندی هسته‌ای است که به تصریح اطرافیانش، عارف مسلک و در فلسفه صاحب‌نظر و ادیب بود و در همان حال در وزرات دفاع، پستی کلیدی داشته؛ مثلاً موضوع لیزر در پدافند هوایی یا کشف و شناسایی هواپیماهای متجاوز از طرقي غیر از رادار که ویژه‌ی نوآوری‌های دفاعی است از دستاوردهای ایشان بوده است و همچنین مجموعه تحت مدیریت ایشان به ساخت اولین کیت تشخیص کرونا دست یافته که در حوزه واکسن کرونا قدم‌های بلندی است و این در حالی است که هنوز خیلی از کارها و دستاوردهای علمی ایشان شناسایی نشده است. اینجاست که احساسی از اندوه بر دل می‌نشیند که چرا چنین دانشمند جامع‌العلومی باید پس از شهادت شناخته شود! تا آن‌جا که پس از شهادت ایشان تعدادی از هنرمندان وقتی پیام تسلیت می‌دهند، او را چنین خطاب می‌کنند «خطاب به اسوه‌ای که نامش و چهره‌اش بر ما پوشیده مانده بود».

و اما، این ناشناس ماندن و دلیل اینکه حتی بسیاری از هم‌وطنانش او را پس از شهادت شناختند، حکایتی دیگر دارد و تاسف ما این نیست که چرا مردم عادی او را نمی‌شناختند، تاسف از این است «چرا آنهایی که او را می‌شناختند، اجازه دادند این بزرگ‌مرد شکار تروریست‌ها شود؟ چنین مردانی گنجینه‌های گرانبهای یک ملت و فراتر در شمار چهره‌های غول‌آفرین در تاریخ علم جهان هستند و ضروری است از آنها مانند گنجینه حفاظت شود.» شهادت و مرگ چنین اشخاصی حکایتی تلخ و دردناک، اما غرورانگیز است، البته در این شرایط و در این مقطع از زمان، نام ایشان و

دانشمندانی چون او باید پنهان بماند، چون دشمن آن قدر ناجوانمرد است که پاسداشتی برای علم ندارد و تنها منافع لحظه‌ای خویش را می‌خواهد و برای حذف آنان شب و روز در تب و تاب است و سال‌ها برنامه‌ریزی کرده، توطئه می‌چیند و هزینه‌های هنگفت می‌کند، دشمن اندیشه و خرد و دانش، مردی را از پای درمی‌آورد که ما، من و تو هم‌وطن، نمی‌شناختیمش، اما خواب آنان را آشفته کرده بود. دشمنانش او را بیشتر از ما می‌شناختند و مصرانه سال‌ها در پی‌اش بودند تا او را ترور کنند! چون دشمن می‌دانست او کیست. می‌دانست یاران او، شاگردانش و هم‌قطارانش کیستند. این یک حقیقت است که اشخاص را باید از دوستان و از دشمنانشان شناخت. دوستان او کیستند و دشمنانش کیستند.

و شهید دکتر محسن فخری‌زاده که فخر ایران و مسلمانان جهان بود و نیز خواهد بود، سرانجام پس از سال‌ها نقشه و توطئه دشمنان و در رأس آنها اسرائیل، مظلومانه اما سرفراز از میان ما رفت.

ما او را پس از شهادتش شناختیم و هنوز هم هستند یاران و هم‌قطاران او که نمی‌شناسیم‌شان و چه نیکوست که نام‌های همچنان از نگاه‌ها پنهان بماند چراکه دشمن تحمل رشد علمی این سرزمین را ندارد و به همین روی آنان پیوسته در تیررس حسادت دشمنان این مرز و بوم و چون خاری در چشم بدخواهان ایران هستند، چون بیگانه نمی‌خواهد پیشرفت و سرفرازی و استقلال ایران و ایرانی را ببیند، ولی آنان در اوج فخر و غرور و در نهایت دلبستگی و دلسوزی در سنگر علم و دانش ایران نشسته‌اند و شبانه‌روز برای اعتلا و سرفرازی این مرز و بوم در تلاش و کشف و اختراع هستند و ما مردم ایران از ژرفای دل با افتخار در برابرشان سر تعظیم فرود آورده، دستشان و قلمشان را می‌بوسیم و دعا می‌کنیم آنان که ماندند و هستند، در پناه خداوند باشند و آنان که از میان ما رفته‌اند، راهشان پر رهرو و نام بلندشان جاودانه بماند.